

یکبارچه همه مظاهر فرهنگی خویش یا نفی هر نوع اعتقاد روحانی باید بر آزادی فکر و استقلال رأی و برابری حقوق همه آدمیان تکیه نماییم و دگرگونی و تنوع ادیان، آراء و عقاید را ارج بگذاریم و بکوشیم که از تگنای ناشکیباشی مذهبی که ضد خدا و خلق است به فضای باز تحری و یگانگی رونماییم.

بخش جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی، کارتون کالج، مینسکوتا

عزت‌السادات گوشہ گیر

جزیره سرگردانی

نوشتۀ: سیمین دانشور

چاپ اول: شهریور ۱۳۷۲، تهران

انتشارات خوارزمی

ئگاهی به جزیره سرگردانی

تهاجی راز دانایی است.

گوته

کتاب جزیره سرگردانی با خوابی کابوس‌گونه از حال و هوای جنگ، پیش از صبح صادق، شروع می‌شود و با خوابی دلپذیر دریاره عشق، بعد از صبح صادق، تمام می‌شود. در هر دو خواب از کلیدی صحبت می‌شود. در خواب اولیه وقتی که هستی بینته خواب در اوج تشنگی می‌خواهد از چاهی آب بنوشد، صدایی می‌گوید: «آنها که کلید را داشتند، همه‌شان گم و گور شدند.» (جزیره سرگردانی، ص ۶) و در خواب پایانی، وی که بر زین بادپای اسب قره‌قاشقا سوار است، کلید طلایی عظیمی در دست دارد، و به صدای قره‌قاشقا گوش می‌دهد که می‌گوید: «این کلید به همه قفلها می‌خورد» (ص ۲۲۵).

شاید رمز کلید خواب اولیه در پایان جلد دوم یا سوم جزیره سرگردانی که هنوز چاپ آن در دسترس ما نیست گشوده شود، چرا که مکان، زمان و فضای خواب نمودار

نقد و بررسی کتاب

۸۴۵

سالهای بعد از جنگ ایران و عراق است و مفاهیم آن گشاینده هیچ رازی در سیر جلد اول رمان نیست. و خواتنه اگر نداند که رمان جلد یا جلد های دیگری هم به دنبال دارد، کاملاً در ارتباط مفاهیم کتاب متعلق می ماند. هر چند سالهای انقلاب و جنگ را هم تجربه کرده باشد، اما خواب دوم آغاز زندگی جدید «آدم و حوا» (ص ۳۲۵) زمانهای را تورید می دهد که در جزیره سرگردانی به دنبال راهی برای زیستن فلسفی، اجتماعی، سیاسی و عاطفی شان می گردند. نسلی که در سالهای ۱۳۵۰ به بعد به تغییرات زیربنایی و روینایی جامعه می اندیشد و به عبارتی بنا به ضرورت تاریخی انقلابی می اندیشد و به عبارتی به قول هستی، این «سیاست است که دست از سرش بر فمی دارد» (ص ۳۱۸).

هستی بنا بر شرایط زندگی درونی و محیطی و همچنین طبیعت زنانه اش، در سیر جستجوگرانه فلسفی اش، تیروی آفرینش، زایندگی و آزادی را عشق می داند. و سلیم که به عنوان «آدم» نسل جدید معرفی می شود، تفکراتش آمیخته ای است از دیدگاه های مذهبی - عرفانی و علمی و در نهایت، وی پیرو اندیشه های علی شریعتی است با تأثیر پذیری از جلال آل احمد.

نویسنده هر چند به دیدگاه های سایر جوانان روشن فکر و اغلب چیگرا نگاهی گذرا می اندازد، اما از همان ابتدا در مقابل آنها موضع مشبی نشان نمی دهد و با انتقادات خود از آنان بالطبع خواتنه را با آنان همسو نمی کند. جوهر کلام این که نویسنده شخصیت های مورد علاقه اش را انتخاب می کند.

سیمین دانشور در شخصیت سازی این آدم و حوا، زندگی درونی سلیم را در هاله ای از ابهام و روحانیت قرار داده و دنیای ذهنی وی را در مسیر عمومی داستان و در قالب ماجراهای و کشمکشها برملا نمی کند. گویی چه به عنوان سیمین دانشور نویسنده در قالب راوی و چه سیمین دانشور به عنوان شخصیت نویسنده در رمان نمی خواهد دید سئی و گاه عقب گرای سلیم را نسبت به مسائلی از جمله مسئله زن در ارتباط با نقش اقتصادی و فعالیت های اجتماعی اش به انتقاد بکشد.

تضادهای درونی زنان از هستی تا مادر بزرگ و تا عشرت به خوبی به تصویر کشیده می شود. به ویژه، این جدال همیشگی با خود در خلوت برای پیدا کردن هویت واقعی، ابعاد وسیع و پیچیده زنان را برملا می کند، اما مردان از این جستجو و کندوکاو بری می مانند.

سیمین دانشور رابطه سه نسل زن را در سه مقطع تاریخی نشان می دهد. مادر بزرگ — خانم نوریان به اصلاح های سنتی، فکری و عاطفی دوره مصدق متعلق است. مادر —

عشرت نمایانگر دوره بی‌رسنگی مالهای بعد از کودتای ۲۸ مرداد تا اوایل انقلاب است که هویت خدشیدار شده است. سیمین دانشور رفتارهای اجتماعی این گروه نوکیسه را در ارتباط با هویت فرهنگی‌شان این گونه تفسیر می‌کند: «عقدة حقارت و غربزدگی و اراضی آن به‌وسیله شرق‌زدگی» (ص ۱۲۵). این مقطع تاریخی یعنی گذار این مرحله زندگیستی به مرحله آشنایی با مظاهر غرب مرحله پیچیده‌ای است که تنها بر ابعادی چند از آن انگشت گذاشته شده است.

هستی — دختر، نسلی است که بین دوشیوه فرهنگی، دو طبقه اجتماعی و دو نوع طرز تفکر متفاوت، سرگردان مانده است. این دوران، دوران رشد تضادهای است. پدیده‌های این دوره امکان پیدا کرده‌اند که اندکی عربان شوند. تحولات اجتماعی و فرهنگی خواه ناخواه بر تفکرات فسل جوان اثر گذاشته‌اند. و آنان را به مرحله جدیدی از مناسبات، ارتباطات و پدیده‌ها آشنا ساخته‌اند. این آشنایی ناقص، یعنی از پنجه‌های نیمه باز به نقش محور دور نظاره کردن، تضادهای پیچیده‌ای را در این فسل باعث شده است که نتیجه آن سرگردانی فلسفی، اجتماعی و روحی اوست.

به مفهوم «سرگردانی» و «جزیره سرگردانی» چند بار در طول کتاب اشاره شده است:

- ۱- سرگردانی رابطه هستی و سلیم در بدودیدارشان (ص ۲۸).
- ۲- تشریع جزیره نمک در کویر توسط «کراسلی» و رابطه‌اش با زندانیان سیاسی (ص ۲۰۱ و ۲۰۲).
- ۳- سرگردانی احساسی-عاطفی هستی نسبت به رفتارهای مادرش و سرگردانی فلسفی هستی نسبت به اصل و اساس موجودیت (ص ۲۷۵ و ۲۵۵).
- ۴- سرگردانی فلسفی فرخنده و مناظره‌اش با سیمین دانشور، که سیمین دانشور گوشتزد می‌کند: «آدمیزاد درخت یقظین است، درخت روشنگری و بیداری» (ص ۲۶۸).

۵- تفسیر سرگردانی از دید مراد که راه رهایی را «از سردمداری غرب خارج شدن» می‌داند (ص ۳۲۵).

سیمین دانشور که با وارد کردن شخصیت واقعی اش در چارچوب رمان، به خود حضوری مقتدر، هشیار، اندیشمند، استادانه و مادرانه داده، و سعی می‌کند گاه‌گاه خودش را از دید شخصیتها بیان کند، در عین حال می‌خواهد خود واقعی اش را از دید خودش به خوانندگان بشناساند. احتمالاً ممکن است خواننده آن را حمل بر خودستایی نویسته

ل) هفتم

ن) است

نام ارا در

خنگی و

ن) مرحله

ن) آبعادی

ن) نوع طرز

ن) مارک این

ن) خواه

ن) اسبات،

ن) آنها باز به

ن) کت که

ن) تغله شده

ن) مر

ن) دلایل سیاسی

ن) ان

ن) بگردانی

ن) آن

ن) دانشور

ن) طیداری»

ن) نبا

ن) اب خارج

ن) بـ خود

نـه خودش

نـه خودش

وـ نویسنده

تقد و بررسی کتاب

کند. شاید نویسنده به دلیل تنهایی عظیمن کاملاً بر عکس صادق هدایت که با مخاطبانش قطع رابطه کرده و فقط برای سایه خمیده اش روی دیوار می توشت، عمل کرده و خودش را صریح و بدون پرده پوشی با خوانندگانش نزدیک می کند و نقش اسرارآمیز بودن زندگی محترمانه نویسنده را در هم می شکند و علاوه بر این به نظر می رسد که سیمین دانشور دوست دارد حضورش را در زندگی فردی و اجتماعی خوانندگانش دخالت دهد. این شور پنهان وی است برای مطرح شدن و گسترش دهن. و همچنین گسترش کردن عشق و دلبختگی اسطوره‌ای اش به جلال آل احمد. و از این عشق اسطوره‌ای ساختن که فروغ فرخزاد خود، بی آن که به اسطوره‌ای کردن شیفتگی عاشقانه اش آگاه باشد، آغازگر آن بوده است.

در زمینه شیوه نگارش، سیمین دانشور رمان جزیره سرگردانی را به شیوه‌های گوناگون درآمیخته. هم خاطره‌نویسی می کند، بی آن که زمان و قایع را بنگارد. و هم روانگری می کند، بی آن که شخصیتها را گاه بدون قضاوت رها کند. هم وقایع نگاری تاریخی می کند و هم از دید ژورنالیستی به قضايا نگاه می کند. این در هم آمیختگی شیوه نگارش چیزی نیست جز در هم آمیختگی ذهنی نویسنده عصری که نظامهای فکری و سیستمهای زندگی اجتماعی در هم ریخته و آشته شده است. نویسنده عصر گذار از یک مرحله به مرحله‌ای جدید و ناشناخته. اما با تمام این تفاصیل قسمت اعظم رمان به شیوه ناتورالیستی نگاشته شده و در مواردی به شیوه جریان آزاد و سیال ذهن و شیوه تداعی معانی.

دید زنانه نویسنده و تأکید بر این دید بیش از دیگر رمانهای سیمین دانشور بر این رمان سایه انداخته. زنها در کشمکش دائم با خود و با دنیای اطرافشان هستند و می خواهند خود را ارزیابی کنند تا هریت خود را کشف کنند. حتی در دید خام و سطحی و تفکر النقاشه عشرت سایه‌ای از کشمکش برای درک جدیدی از خود در ارتباط با موضوع تساوی زن و مرد موجود است. اما هریک از شخصیتها این رابطه برابرگونه را به نوعی مطابق با شرایط فرهنگی و طبقاتی شان ارزیابی می کنند. شاید قصه نارنج و ترفع که از ابتدا برای رشد و نمورابطه هستی و سلیم در بافت رمان آمیخته بوده، تمثیلی از عشق و رابطه زن و مرد باشد که سیمین دانشور آنرا دستمایه قرار داده تا این رابطه را بهتر بشکافد.

دانشور نمادهای زنانه‌ای چون انار و نمادهای مردانه‌ای چون سنجید را هم از دید خودش و هم از دید قشر نوکیسه وابسته به سیستم، زیبا و هنرمندانه تغییر می کند. گرچه

این تفاسیر در کلیت رمان شکلی پیدا می‌کند که هرچند «در واقعیت اراضی شرق‌زدگی شخصیت‌ها برای سرپوش بر حقارت باشد»، اما گوئی اختصاص دادن صفحات فراوان به مسأله هفت‌سین و مفهوم عید فوروز، به کار تفسیری توریستی می‌دهد برای جلب خواننده بین‌المللی. چرا که همچون رمان سووشوں، استفاده از رنگ، بو، طعم و زیبایی‌های طبیعی تصویری، حس‌های چندگانه خواننده را به حرکت وامی دارد.

زبان بسیار روان سیمین دانشور، استخوان‌بندی رمان و شخصیت پردازی‌ها و حوادث و کشمکش‌های درونی و بیرونی خواننده را به راحتی تا پایان کتاب رهبری می‌کند. خواننده می‌خواهد روابط پیچیده‌ای را که در طبقات مختلف اجتماعی خلق شده کشف کند و در آگاهی به سرفوشت شخصیت‌ها سیم باشد. تحلیل زنانه زنان در گوش‌ایستادنها، کنجکاوی‌های زنانه، تشریح ریزه‌کاریها، نکته‌بینیها، کشف راز و رمزها، و خاله‌زنگ بازی‌های مهرماه و ایران خانم، رمان را به زندگی واقعی قشر وسیعتری از زنان بسیار نزدیک کرده است. هرچند گاه نوشته رقیق می‌شود و گاه به‌دام ریزه‌کاریها و خرده‌اندیشیها و دید «سویا پرا ای» می‌افتد، اما شاید همین شکل نگارش خواننده‌گان بسیاری را به مواردی فراتر از پوسته سطحی هدایت کند.

و اما یکی از زیباترین مونولوگ‌های کتاب، تنهایی مادر بزرگ است (ص ۹۵ تا ۱۱۲) و در این جاست که «راز دانا بی» مفهوم پیدا می‌کند. چرا که به قول شوپنهاور گاه در تحلیلهای تنهایی است که آدم به درکی حقیقی‌تر از خود می‌رسد.

... و وقتی تمام بدن در حال آرامش است، مغز غلط می‌کند مضطرب شود. سر دلم هم غلط می‌کند به‌شور و جوش بینند. بی‌خود به‌جه‌اکم هستی نق زدم. اما چکنم دست خودم نیست. آدمیزاد هزار جور حالت دارد. دلم نمی‌خواست عیدم این‌جور سوت و کور باشد. هرچند هستی از قول گوته گفته باشد که تنهایی راز دانا بی است (ص ۹۶).

زبان طنز سیمین دانشور، طنزی تلغ و ویژه بعد از شرایط انقلاب و جنگ است. معمولاً زبان طنز در نوشته‌های زنان کمتر مورد استفاده قرار گرفته شده است. در فرهنگی که اخلاق و سنتهای تلطیف نشده مذهبی پایه و اساس رفتارهای انسانی را پی‌ریزی کرده، به کارگیری زبان طنز مهارتی فوق العاده می‌خواهد. این زبان طنز احتیاج به زمان دارد تا در تجربه صیقل و شفاقت بیا بد.